

اعجاز علمی قرآن از منظر جغرافیا مطالعه‌ی موردی: آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره‌ی الرحمن و آیات مرتبط با آنها

اسماعیل حسینی کوهکمری^۱

همت الله رورده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۹

چکیده

این مقاله به بررسی آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره‌ی الرحمن و نیز آیات ۵۳ سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر، آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره‌ی شوری و بخشی از آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی نمل که با این آیات موضوعی و مفهومی انطباق دارند، پرداخته و آنها را به صورت تخصصی از منظر جغرافیا تبیین کرده‌است. بر اساس این تحقیقات، دو دریای ذکر شده در سوره‌ی الرحمن و آیات مرتبط با آنها «اقیانوس منجمد شمالی و اقیانوس اطلس شمالی» می‌باشند. برزخی که این دو دریا را از هم جدا کرده است «سرما» است و «نشأت گرفته‌هایی در دریا که همانند کوه هستند» همان «آیسبرگ یا کوه یخ» می‌باشند. در آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره‌ی شوری داستان گروهی نقل شده است که به واسطه‌ی کفری که مرتکب شده بودند، دچار مصیبت بزرگی شدند و خداوند به واسطه‌ی یک شناور عظیم و کوه مانند، قدرت خود را به آنها نشان داده و آنها را مجازات کرد. با توجه به شواهد و قرائن ارائه شده، به نظر می‌رسد این حادثه، همان حادثه‌ی غرق شدن کشتی معروف تایتانیک باشد.

کلمات کلیدی: الرحمن، مرج البحرين، آیسبرگ، تایتانیک.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول) Email: E.hosaini1989@gmail.com

^۲ استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران Email : h.roradeh@umz.ac.ir

مقدمه:

"إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا غَرِيبًا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ" (یوسف-۲). بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، آن وجود بی نیاز و ستوده (حدید-۲۴)^۱ به زبان عربی شیوا و فصیح (شعراء-۱۹۵)^۲ کتابی با آیات استوار فرستاده و از انسان دعوت به تفکر کرده است (یوسف-۲). این کتاب شریف، در هر موضوعی از علوم مختلف، به صورت فصل فصل و جداگانه، آیاتی دارد و اشاره کرده است که این آیات را برای اهل علم قرار داده ایم (فصلت-۳)^۳. از این رو لازم می‌نماید در بازخوانی و کشف مفاهیم این گونه آیات، باید از دروازه‌ی علم وارد شد. از بین علوم مختلف بشری، دانش جغرافیا جایگاهی رفیع در قرآن دارد و مثالهای فراوان جغرافیایی را می‌توان در آن دید. مثلاً در آیه‌ی ۷ سوره‌ی نباء^۴، کوهها را مایه‌ی ثبات زمین، در آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی اعراف^۵، بادها را پیام آوران رحمتش (باران) معرفی می‌نماید. زیرا جغرافیا علمی است که به مطالعه‌ی پدیده‌ها و خصوصاً پدیده‌های طبیعی پرداخته و روابط آنها با هم و روابط انسان با آن پدیده‌ها را بررسی می‌نماید. انسان جزئی از طبیعت است و عضوی از آن، و از آغاز سکونتش در کره‌ی زمین همواره در عمل و عکس العمل با محیط طبیعی به سر برده است. از آن بهره برده و بر آن صدمه زده است و برخی موارد نیز مورد هجوم نیروهای قهری طبیعت قرار گرفته است. از این رو از ابتدای تاریخ در مواجهه و مشاهده در عالم طبیعت، با جنبه‌هایی از این علم آشنا شده است. اکنون به مدد علم و تکنولوژی مدرن، دانش جغرافیا به صورت گسترده رشد کرده است و به عنوان یک رشته‌ی تخصصی و آکادمیک در سطوح عالی در دانشگاههای معتبر دنیا تا سطح دکتری تدریس می‌شود و در شناخت روابط و پدیده‌های محیط طبیعی و روابط انسان با محیط طبیعی، به دانش عمیقی مجهز شده است. اکنون رشد دانش جغرافیا می‌تواند نوید بخش گشایش فصلی نوین در فهم مفاهیم الهی قرآن، پیش روی امت اسلامی باشد. آیات فراوانی در قرآن وجود دارند که مثالهایی جغرافیایی در بر دارند. در این بین، آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره الرحمن به صورت مشخصی به یک پدیده‌ی استثنایی جغرافیایی اشاره می‌کند: دو دریایی که کنار هم قرار گرفته‌اند و به واسطه‌ی برزخی که مابین آنهاست با هم ترکیب نمی‌شوند. اینکه این دو دریا کجاست و چه نامی دارد اشاره نشده است اما نشانه‌هایی از آنها در لابلای آیات قرآن ذکر شده است. در طی دوران پس از نزول این مصحف شریف، بسته به سطح دانش بشری، تلاش شده تا نمونه‌ای برای این آیات ارایه شود که بیشترین انطباق را با مضمون آیات داشته باشد؛ مثالی که در آن دو دریا با دو کیفیت متفاوت در کنار هم قرار داشته باشند. با اینکه تاکنون کسی به درستی نمی‌داند که این آیات به کدام دو دریا اشاره دارند اما با توجه به روشنگری آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان، که آورده است: از این دو دریا یکی آبی شیرین و گوارا دارد و دیگری شور و تلخ است و برزخی محکم و استوار در بین آنها قرار داده شده است، تلاش کرده‌اند تا در تفسیر این آیات، نمونه‌ای را معرفی کنند که در آن دو پهنه‌ی آب با کیفیت متفاوت در کنار هم قرار داشته باشند. یکی شور باشد و دیگری شیرین. و گفته شده که از بین مثالهای ذکر شده، در هر کدام که دو پهنه‌ی آب، یا از جهت شوری- شیرینی و یا از

جهت گرمی - سردی با هم اختلاف داشته باشند و به نوعی در کنار هم باشند را می‌توان به عنوان شاهدهی قابل قبول پذیرفت. در بین این نظرات، موردی که بتواند انطباق کاملی با مفهوم آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره‌ی الرحمن، آیه ی ۵۳ سوره‌ی فرقان و آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر داشته باشد موجود نیست و در استناد به این مثال‌ها برای استخراج مفهوم در آیات بعدی، با کاستی‌هایی رو به رو شده‌اند و قادر نیستند همه‌ی آیات ذکر شده را در ذیل یک مثال تفسیر نمایند. در قرآن بیشتر مواقعی که یک مثال از عالم طبیعت ذکر می‌شود، به پدیده‌هایی اشاره می‌شود که به وضوح در میدان دید باشند و برای انسان ملموس باشند. همچنین در این آیات، تاکید بر وجود دو دریا در کنار هم، ناهمگونی کیفیت آنها و نیز وجود برزخ و عاملی قوی و نقض ناشدنی مابین آنها، ما را بر این فکر واداشت که چنین پدیده‌ای بایستی به وضوح واقع شده باشد و نمونه‌ای خاص داشته باشد. در این مقاله به تحقیق پیرامون این مسأله پرداخته می‌شود تا باشد که گوشه‌ای از معارف این گنجینه‌ی بی پایان را دریافته و بیش از پیش به دریافت معارف و مفاهیم والای آن نائل شویم و بتوانیم نمونه‌ای از اعجاز علمی قرآن را کشف و معرفی نماییم. در هر کار تحقیقی آکادمیک، ارائه‌ی پیشینه‌ی تحقیق از ضروریات اساسی می‌باشد از این رو در بررسی آیات مذکور، ابتدا خلاصه‌ی برخی از تفاسیری که تا به حال ارائه شده است، آورده می‌شود و سپس در بخش یافته‌های تحقیق، به تدریج آلترناتیو مد نظرمان را ذکر کرده و در خصوص اثبات آن، تحلیل‌های تطبیقی و منطقی را ارائه خواهیم نمود.

پیشینه‌ی تحقیق:

در طول دوران پس از نزول قرآن، مفسران زیادی برای این آیات تفسیر نوشته‌اند. در این بین عده‌ای این آیات را تفسیر روایی کرده‌اند و احادیثی منسوب به اهل بیت را در ذیل آنها ذکر کرده‌اند. مثل حدیثی منسوب به امام صادق (ع) که در آن، دو دریا، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، برزخ را به پیامبر (ص) و لولو و مرجان را نیز به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تعبیر کرده است و اکثر قریب به اتفاق مفسران آن را در ذیل آیات نقل کرده‌اند. برخی دیگر نیز از جمله مفسران دوران معاصر، تفسیر علمی از آن ارائه نمودند.

در کل، تفسیرهایی که برای این آیات نوشته شده‌اند همگی در یک نکته اشتراک دارند و آن اینکه منظور آیات ۱۹ و ۲۰ سوره‌ی الرحمن را در حالت عام آن، دریاهای شور و دریاهای شیرین می‌دانند؛ زیرا آیاتی در سوره‌های دیگر قرآن وجود دارند که با این آیات ارتباط موضوعی و مفهومی دارند. مثل آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان و آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر که در بیان قدرت و نعمات الهی، به دو دریای شور و شیرین اشاره می‌کند که این دو دریا به واسطه‌ی برزخی که مابین آنها قرار دارد، به حدود یکدیگر تجاوز نمی‌کنند. مضمون اکثر تفاسیر چنین است که این آیات به دو دریای خاص و معینی اشاره نمی‌کنند بلکه منظور، دو کیفیت آب در بین آبهای کره‌ی زمین است و مثالهایی نیز در جهت تقریب به معنی، برای این مورد ذکر کرده‌اند. مفهوم برزخ را نیز به اختلاف چگالی و غلظت

مابین آبهای شور و شیرین تعبیر نموده‌اند. اما آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی الرحمن نیز در ارتباط معنایی با آیات ۱۹ و ۲۰ این سوره بیان شده است ولی در تفاسیر ارائه شده، این آیه را به صورت جداگانه تفسیر کرده‌اند و آن را در اشاره به کشتی‌های بزرگ می‌دانند و بادبانهای افراشته‌ی آنها را به کوهها شبیه دانسته‌اند و این در حالی است که این آیه نیز در ارتباط با مرج البحرین بیان شده است. با این وجود به برخی از این تفسیرها در زیر اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که تفاسیر زیر بر مبنای تقدم و تاخر زمانی در تالیف کتابها آورده می‌شوند.

مجمع البیان، طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ هجری قمری): ایشان دو دریا را در حالت عام خود، دو کیفیت متفاوت آبهای شور و شیرین را منظور نظر آیات می‌دانند و نقل قولها و تفاسیر متعددی را از افراد مختلف ذکر کرده‌اند که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: ابن عباس گوید برزخ یعنی مانع و پرده‌ای از قدرت خدا. پس دریای شور بر دریای شیرین پیروز نمی‌شود تا آنرا فاسد کند و آب شیرین بر آب شور ممزوج نمی‌شود تا آن را ضایع کند و با آن مختلط شود و معنای "مَرَج" ارسال است. ابن عباس و ضحاک و مجاهد گویند: مقصود از بحرین، دریای آسمان و دریای زمین است زیرا در آسمان دریایی است که خداوند به قدرت خود آن را نگه داشته و از آن باران نازل می‌شود. پس در سنه (در سالی) با هم تلاقی می‌کنند و میان آنها پرده‌ای است که منع کند دریای آسمان را از فرود آمدن و باز می‌دارد دریای زمین را از بالا رفتن. حسن و قتاده گویند: آنها دریای فارس و دریای روم است به جهت اینکه طرف آخر دریای روم متصل می‌شود به آخر طرف دریای فارس و برزخ میان آنها، جزایر است. لولو را به مروارید بزرگ و مرجان را مروارید کوچک می‌دانند. آیه‌ی ۲۴ را چنین تفسیر کرده اند که منظور، کشتی‌های بزرگ در دریا هستند و دکل بلند و بادبان آنها شبیه کوه است. احادیثی نیز منسوب به اهل بیت در تفسیر این آیات و در ذیل آنها نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۴/ ۸۱-۷۱). تفسیر رازی، ابی الفتوح رازی (۴۸۰-۵۲۵ هجری قمری): در بیان دو دریای شور و شیرین، ایشان به دریای فارس و روم اشاره کرده‌اند و نقل قول هایی از افراد مختلف بدین شرح ذکر کرده است: حسن گفت دریای روم (مدیترانه‌ی فعلی) و دریای هند است و ولایت‌های ما حایل است میان ایشان. مجاهد گفت دریای زمین و دریای آسمان است و همه سال یکبار ملتی می‌شوند... در بیان لولو و مرجان از قول ابن جریج گفته است که صدف در روز باران، دهان خود را باز می‌کند و هر قطره‌ی باران که در دهان او افتد مروارید می‌شود. در ادامه احادیث منسوب به اهل بیت را درخصوص دو دریا روایت کرده است که آنها را حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) و لولو و مرجان را امام حسن و امام حسین علیهما السلام معرفی می‌کند (رازی، ۱۳۱۵: ۹/ ۲۰۸-۲۰۷).

تفسیر کبیر، کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری قمری): ایشان دو دریا را عبارت از دریای روم (مدیترانه فعلی) و دریای فارس (خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای سرخ) می‌دانند که در محیط به یکدیگر ملتی می‌شوند و برزخ را به جزایر مابین آنها تعبیر کرده‌اند که مانع تجاوز این دو دریا به

حدود یکدیگر می‌شود و مانع ابطال خاصیت شوری و شیرینی آنها می‌شود. لولو را به مروارید بزرگ و مرجان را مروارید کوچک می‌داند. ایشان نیز احادیث و روایات منسوب به اهل بیت را ذکر کرده‌اند. آیه‌ی ۲۴ را نیز چنین تفسیر کرده است: به امر اوست کشتی‌های رونده که برداشته و برافراشته است بادبانهای خود را در دریا یا انشاء کننده و ابتدا نماینده در رفتن یا پیدا کننده‌ی موجهای دریا به سبب جاری شدن در آن... و خلق کشتی و روان کردن آن در دریا جهت انتفاع بندگان است از قطع مسافت بسیار در زمان اندک و وقوع تجارت و معاملات و این از نعمتهای عظیم است (کاشانی، ۱۳۳۷: ۹/۱۲۰-۱۱۷).

تفسیر جامع، بروجردی (قرن چهاردهم هجری قمری): ایشان چنین آورده‌اند که: دریای آب شیرین و آب شور را به هم درآمیخت تا مخلوط شدند و میان آنها حایلی مقرر فرمود که با یکدیگر آمیخته نشوند. چنان که شیرینی آن دریا به واسطه‌ی شوری دریای دیگر تبا و فاسد نگردد و لولو و مرجان از دریای شور بیرون آورند. وقتی باران می‌بارد صدف سر خود را از آب بیرون می‌آورد و دهان باز می‌کند. هر قطره‌ی باران که در دهان آن بیفتد مروارید می‌شود. خود ایشان این دو دریا را جریان گلف استریم می‌داند و چنین آورده است که: آیه‌ی کریمه، یکی از معجزات باهره‌ی قرآن کریم در ۱۴ قرن پیش است که امروزه در پرتو علم ثابت گردیده که در دریاها دو آب در جهت مخالف یکدیگر حرکت می‌نمایند و خداوند کریم به واسطه‌ی حاجز و حائلی آنها را از خلط و مزج، ممنوع فرموده است و در اصطلاح علما " گلف استریم " نامیده شده است. در بیان آیه‌ی ۲۴ نیز آورده است: و او راست کشتی‌های بزرگ مانند کوه که در دریاها در گردشند. ایشان نیز احادیث منسوب به اهل بیت (علیهم‌السلام) را در تفسیر این آیات نقل کرده‌اند (بروجردی، ۱۳۴۰: ۷/ ۲۹-۲۷).

تفسیر کاشف، مغنیه (۱۳۲۲- ۱۴۰۰ هـ. ق): ایشان با استناد به آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان، دو دریا را عبارت از دریای شور و شیرین می‌داند و بحر را آب فراوان که خواه شیرین باشد یا شور. این آیات را در اشاره به آب شیرین رودخانه‌ها در مقابل آب شور دریاها می‌داند و برزخ را به مانع تعبیر می‌کند و مراد از برزخ را قدرت خدای تعالی می‌داند (مغنیه، ۱۳۸۷: ۷/ ۳۴۸-۳۴۶).

المیزان، طباطبایی (۱۳۲۲- ۱۴۰۱ هجری قمری): ایشان با استناد به آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر، دو دریا را یکی شور و دیگری شیرین می‌داند و چنین آورده است که قابل قبول‌ترین تفسیری که درباره‌ی این دو آیه (۱۹ و ۲۰ الرحمن) کرده‌اند این است که مراد به دو دریا، دو دریای معین نیست بلکه دو نوع دریاست. یکی دریاها‌ی شور روی زمین و دیگری دریاها‌ی شیرین در زیر زمین که خدای تعالی آنها را در زیر زمین ذخیره کرده و به صورت چشمه از زمین می‌جوشد و نه‌های بزرگ را تشکیل می‌دهد. ایشان برزخ را به حاجز تفسیر کرده و حاجز را مانعی می‌داند که این پهنه‌های آب را از هم جدا کرده باشد و عبارت از دیواره‌ی مخازن زمین و رگه‌های آن است که نمی‌گذارد دریای شور به دریای شیرین تجاوز کند و آن را مثل خود شور سازد یا دریای شیرین به دریای شور

وارد شده و آن را شیرین سازد. در آیه‌ی ۲۴ نیز جوار را جمع جاریه به معنی کشتی، منشات را اسم مفعول از ماده‌ی انشاء و انشاء را هر چیزی به معنی احداث و ایجاد و تربیت آن و اعلام را جمع علم به معنی کوه می‌داند و چنین معنی می‌کند: و برای خداست کشتی‌های بزرگ در دریا که همانند کوه هستند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۹ / ۲۰۰-۱۹۸).

تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی (معاصر): دو دریا را دریاهای شور و شیرین می‌دانند که عبارت از رودخانه‌ها (به عنوان دریای شیرین) و دریاهای آزاد (به عنوان دریاهای شور) هستند. بحر را به مطلق آب زیاد معنی می‌کنند و برزخ را حایل میان دو کیفیت آبهای شور و شیرین رودخانه و دریا می‌دانند و آن را حاکی از تدبیر الهی قلمداد می‌کنند. شکل‌گیری مرجان در عمق آبهای شور و شیرین را تجلی اراده‌ی الهی دانسته و تزئین و تجمل را امری طبیعی و ارزشی در زندگی انسان می‌دانند. آیه‌ی ۲۴ را نیز چنین می‌آورد که: کشتی‌های بادبان بر افراشته‌ی همچون کوه که در دریا روان هستند، از آن خدا هستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۸ / ۲۳۵-۲۳۱).

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی (معاصر): دو دریا را در حالت عام خود، دو گونه‌ی دریاها می‌دانند و با استناد به آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان، آبهای شور و شیرین را مصداق (مرج البحرین) می‌دانند و منظور آیه را نیز محل تخلیه‌ی رودخانه‌های آب شیرین به دریاهای آزاد (که آب شور دارد) می‌داند. برزخ را نیز اختلاف چگالی و غلظت این دو پهنه‌ی آب تعبیر می‌کنند. همچنین به جریان گلف استریم اشاره کرده‌اند که یک جریان آب گرم در میان پهنه‌های آب سرد است و از جهت دمایی با آبهای مجاور خود تفاوت دارد. لازاین رو چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که یکی از تفسیرهایی که برای این آیات ارائه شده است، گلف استریم است که منافاتی با سایر تفسیرها ندارد و جمع میان همگی ممکن است. در تفسیر آیه‌ی ۲۲ نیز آورده است که لولو و مرجان دو وسیله‌ی جالب زینتی است و در طب سنتی نیز کاربرد دارد و مال التجاره و کالای خوبی است که از آن عواید زیادی به دست می‌آید و از همین جهات به عنوان نعمت در این آیات به آن اشاره شده است. در تفسیر آیه‌ی ۲۴ نیز جوار را جمع جاریه گرفته و جاریه را نیز توصیفی برای سفن به معنی کشتی دانسته‌اند. منشات را جمع منشا و اسم مفعول از انشاء به معنی ایجاد، و اعلام را نیز جمع علم به معنی کوه دانسته‌اند. و این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند که در این آیه به کشتی‌های بزرگ که در صفحه‌ی اقیانوسها جریان دارد اشاره می‌کند و از این جهت آنها را به کوه تشبیه می‌کند که بادبان بزرگ و افراشته‌ی آنها به کوهها شباهت دارد. نیز از این جهت آنها را نعمت الهی معرفی کرده است که مواد و مصالح مورد استفاده در کشتی همه شان مخلوق خدا هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۱۳۳-۱۲۴).

تفسیر نور، قرائتی (معاصر): ایشان نیز با استناد به آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان، منظور از دو دریا در آیات ۱۹ و ۲۰ الرحمن را دریاهای آب شور و دریاهای آب شیرین می‌دانند. بحر را به آب زیاد معنی می‌کنند که خواه دریا، خواه رودخانه باشد. و چنین می‌افزاید که معمولا آب دریاها شور و آب رودخانه‌ها شیرین هستند. آب شور برای حفظ حیات جانداران دریایی است و آب شیرین برای حفظ

حیات گیاهان، انسانها و حیوانات که در خشکی زندگی می‌کنند. برزخ را نیز اختلاف چگالی و غلظت آبهای شور و شیرین می‌داند که هنگام برخورد این دو پهنه‌ی آب، آب آنها با هم مخلوط نمی‌شود. در باب آیه‌ی ۲۴ نیز چنین می‌آورد که نقش دریا در حمل و نقل مسافر و بار به عنوان معبری رایگان و آماده و وسیع و گسترده، از دیرباز مورد توجه بشر بوده است و خداوند در این آیات، انسان را به آن توجه می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹/ ۳۹۱-۳۸۸).

باران رحمت، معینان (معاصر): آورده است که منظور محل تخلیه‌ی آب رودخانه‌های آب شیرین است که به دریا‌های آزاد می‌ریزند و آب شور را به عقب می‌رانند و منطقه‌ای با آب شیرین در مصب رود تشکیل می‌دهند. برزخ را نیز به اختلاف غلظت آب شور و شیرین تعبیر می‌کنند. آیه‌ی ۲۴ را نیز چنین آورده است: و کشتی‌های ساخته شده (یا بادبان دار) در دریا که همچون کوه روانند، از اوست (زیرا تمام اسباب و ابزاری که در ساختن کشتی دخالت دارند و استعداد و نیروی سازنده، از آن خداست) (معینان، ۱۳۹۱: ۱۴/ ۱۰۵-۱۰۱).

نکونام (معاصر) در مقاله‌ای با عنوان تفسیر تاریخی آیه‌ی مرج البحرين چنین استدلال کرده‌اند که چون قرآن در خطاب به اعراب عصر نزول بیان شده است؛ از این رو بیان مثال باید راجع به دریا‌هایی باشد که اعراب عصر نزول قرآن با آنها آشنایی می‌داشته‌اند. ایشان با بررسی تاریخی منابع تحقیق و سیر ارائه‌ی نظریه‌های گوناگون از گذشته تا به حال، با تایید نظر ابن آشور، تفسیر قابل قبول را خلیج فارس و اروند رود می‌داند. بحر را به مطلق آب زیاد تفسیر کرده و برزخ را نیز اختلاف غلظت و چگالی بین آب شیرین اروند رود و آب شور خلیج فارس می‌داند. ایشان در جهت انطباق بیشتر این تفسیر با آیات ۱۹ و ۲۰ الرحمن و آیات مشابه آنها، به ارایه‌ی شواهدی مضاف بر دلایل ابن آشور، مقاله‌ی خود را در جهت بسط نظریه‌ی ابن آشور قلمداد کرده است (نکونام، ۱۳۹۰: ۵۱-۳۱).

محدوده‌ی مورد بحث:

در این مبحث به بررسی آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره‌ی الرحمن پرداخته می‌شود. در قرآن آیات دیگری نیز وجود دارند که در ارتباط معنایی و مفهومی با این آیات بیان شده‌اند این آیات را نیز در اثنای بحث، طرح نموده و مورد بررسی قرار خواهیم داد، مثل آیات ۵۳ سوره‌ی فرقان، ۱۲ سوره‌ی فاطر، بخشی از آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی نمل و نیز آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره‌ی شوری.

آیات ۱۹ تا ۲۴ الرحمن:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرُجُ مِنْهُمَا
الْوَلُّوُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)
آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان:

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا

آیه ی ۱۲ سوره ی فاطر:

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ وَمِنَ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا
وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاجِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

آیه ی ۶۱ سوره ی نمل:

أَمْ نَجْعَلُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلْ خِلَافَهَا أَنْهَرًا وَجَعَلْ لَهَا رَوْسِي وَجَعَلْ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَمْ لَأَنَّ
مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره ی شوری:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰) وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱) وَمِنَ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَغْلَامِ (۳۲) إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ
الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِي ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۳) أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبْنَ وَيَعْفُ
عَنْ كَثِيرٍ (۳۴) وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ (۳۵).

یافته ها و نتایج تحقیق:

آیات بخش به بخش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. ابتدا آیات ۱۹ و ۲۰ سوره ی الرحمن:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰).

بررسی ها نشان می دهد که:

دو دریایی که با هم تماس دارند و ماهیتی متفاوت دارند و برزخی بین آنهاست که با هم ترکیب نمی شوند اقیانوس اطلس شمالی (آتلانتیک شمالی) و اقیانوس منجمد شمالی (آرکتیک) هستند که از دو جنبه ی مختلف با هم تفاوت دارند:

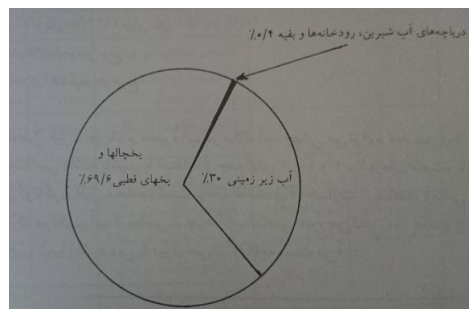
یکی جامد و دیگری مایع است. یکی شیرین و دیگری شور است. اقیانوس منجمد شمالی جامد است و یخ های آن آب شیرین هستند و اقیانوس آتلانتیک شمالی مایع و آب آن نیز شور است و برزخی که این دو را از هم متمایز می سازد برزخ " سرما " است که باعث انجماد (حجراً محجوراً؛ فرقان-۵۳) اقیانوس آرکتیک شده است و هرگز این دو دریا با هم ادغام نمی شوند. اگر یخ حرکت کند و از مرز سرمای زیر صفر عبور کرده و به عرض های پایین تر سرازیر شود، ذوب شده و مال دریای آتلانتیک می شود و به فرض اگر آب بتواند از حد سرمای زیر صفر به سمت عرض های بالاتر نفوذ کند منجمد می شود و جزو اقیانوس آرکتیک محسوب خواهد شد (تصویر شماره ی ۱).

علت اینکه منحصر بر محدوده ی قطب شمال تاکید می شود و محدوده ی قطب جنوب در این مورد گنجانده نمی شود، این است که قطب جنوب بیشتر یک " خشکی " است که با یخ پوشیده شده است و در شمارش قاره ها نیز به عنوان یک قاره در نقشه ها ثبت شده است (نمودار شماره ی ۲). در حالی که در بالای پهنه ی یخ بسته ی شمالی نوشته می شود " اقیانوس منجمد شمالی " (همچنان که

در تصویر شماره‌ی یک مشاهده می‌شود. بیشترین حجم آبهای شیرین در کره‌ی زمین را یخچال‌های قطبی تشکیل می‌دهند (نمودار شماره‌ی ۱).

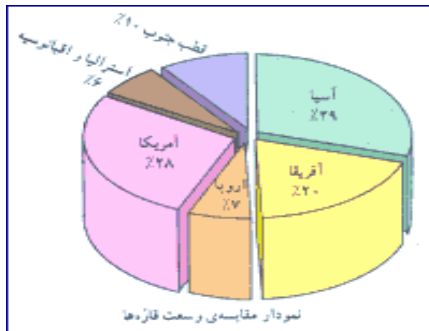
جنوبی‌ترین خشکی کره‌ی زمین، قاره‌ی قطب جنوب است که ده درصد مساحت خشکی‌های جهان را شامل می‌شود و وسعت آن از مساحت قاره‌ی اروپا و استرالیا بیشتر است (شایان و دیگران، ۱۳۹۰:۶۵). وسعت خشکی قاره‌ی قطب جنوب ۱۴,۲۰۰,۰۰۰ کیلومترمربع است (جعفری، ۱۳۶۰:۱۰۱).

در قطب شمال وسعت خشکی بسیار ناچیز است و در واقع آن چیزی که به عنوان قطب شمال می‌شناسیم، غالباً یک پهنه‌ای یخ بسته از اقیانوس است.



نمودار ۱- یخچال‌های قطبی بزرگترین ذخایر آب شیرین در کره‌ی زمین هستند.

منبع: صداقت، ۱۳۹۰:۱۴.



نمودار ۲- مقایسه‌ی وسعت هر یک قاره‌ها نسبت به کل خشکی‌های کره‌ی زمین

منبع: شایان و دیگران، ۱۳۹۰:۲.



تصویر ۱- تصویری از قطب شمال و اقیانوس منجمد شمالی (درج آبه در تصویر توسط نویسندگان صورت گرفته است).

منبع: www.hamshahronline.ir، ۱۳۹۲/۵/۴.

بررسی آیهی ۲۲ الرحمن:

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

به متن خبری که با ذکر منبع در زیر آورده شده است توجه کنید:

" ۰۹:۱۷ - ۸۶/۰۴/۰۲ - شماره: ۸۶۰۴۰۲۰۴۹۵ - خبرگزاری فارس:

روباتی برای بررسی حیات در اقیانوس منجمد شمالی به زیر آب می‌رود.

خبرگزاری فارس: دانشمندان برای بررسی حیات در اعماق اقیانوس منجمد شمالی روباتی را به زیر آب‌های این اقیانوس می‌فرستند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، دانشمندان تاکنون هیچ آثار و شواهدی مبنی بر وجود حیات در اعماق اقیانوس منجمد شمالی در دست ندارند و دانشمندان امید دارند که روبات زیرآبی بتواند اطلاعاتی در مورد اسرار اعماق این اقیانوس در اختیار آن‌ها قرار دهد... (۱۳۹۲/۵/۸، www.farsnews.com) " (تصویر شماره ۲).

مروارید یک وسیله‌ی زینتی است که در داخل صدف پرورش می‌یابد و صدف یک جانور زنده‌ی دریایی است که در آب‌های شور زندگی میکند و "مرجانها جانوران گیاهی شکل و استوانه‌ای از رده‌ی کیسه تنان هستند و اغلب دسته جمعی زندگی می‌کنند. در بالای استوانه، سر آنها قرار دارد و در پایین، صفحه‌ای پهن وجود دارد که به آن "پای" می‌گویند. سلول‌های صفحه‌ی پای، موادی آهکی ترشح می‌کنند تا مرجان روی تخته سنگ ثابت نگه داشته شود. با ترشح این مواد، به تدریج پایه‌ای آهکی برای مرجان به وجود می‌آید. تجمع مرجانها و ترشحات آهکی آنها، در طول دوران مختلف زمین شناسی در پیدایش جزایری مانند کیش نقش داشته است. مرجانها گونه‌ای از جانداران هستند که نه گیاه‌اند و نه جانور، بلکه ماینرال نام دارند و از موادی بنام روکسانتیل تشکیل یافته‌اند. این جانداران به آبهای ۲۰ درجه سانتیگراد یا گرمتر احتیاج دارند و از سطح تا اعماق ۳۷ متر و میان عرض‌های جغرافیایی ۲۸ درجه ی شمالی و ۲۸ درجه‌ی جنوبی به سر می‌برند. آب شور، حرارت ملایم، و نور از جمله عوامل ضروری برای ایجاد و تداوم حیات مرجانی است (۱۳۹۲/۶/۱۰، www.persianpet.org) (تصویر شماره ۳).

همچنان که اشاره شد هنوز دانشمندان اقیانوس شناس، وجود حیات در زیر اقیانوس منجمد شمالی را رصد نکرده‌اند. اما با استناد به آیهی ۲۲ سوره‌ی الرحمن با رعایت شروطی می‌توان دو نظریه را ارائه کرد:

اول اینکه اگر بپذیریم که منظور از مروارید و مرجان وسایل زینتی هستند که از حیات جانوری آب شور به دست می‌آید و نه خود جانور صدف و مرجان، آن‌گاه باتوجه به نتایج تحقیقات اقیانوس شناسی که بیان می‌دارند یخهای اقیانوس منجمد شمالی روی آب شور شناورند و زیر آنها آب شور جریان دارد، نتیجه این چنین می‌شود که منظور آیه این است که: با اینکه در ظاهر دو دریا با

ویژگی مختلف (جامد- مایع و شور-شیرین) کنار هم هستند اما در هر دو دریا باز حیات از نوع حیات جانوران آب شور زی وجود دارد.

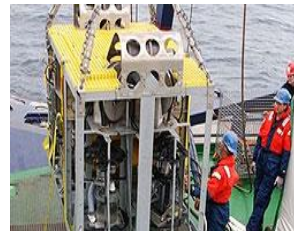
دوم اینکه: نه، بگوییم منظور همان خود جانور صدف و جانور مرجان هستند. در این صورت قضیه متفاوت خواهد بود: یکی از شرایط ضروری برای حیات مرجانها وجود نور کافی است و اعماق اقیانوس در تاریکی مطلق است. همچنان که گفته شد مرجانها از سطح تا عمق ۳۷ متری زندگی می‌کنند که نور خورشید به راحتی تا این اعماق نفوذ می‌کند. عمیق ترین قسمت اقیانوسها که در واقع عمیق ترین چاله‌ی شناخته شده در کره ی زمین نیز هست حدود ۱۰۹۹۴ متر از سطح آبهای آزاد عمق دارد (www.mihan۹۸.com، ۱۳۹۲/۶/۲). عمق متوسط آب در اقیانوسها به بیش از ۳۷۰۰ متر می‌رسد (مهدوی، ۱۳۸۵:۴). نور تا عمق ۴۰۰ متری در آب نفوذ می‌کند و از این عمق به بعد در تاریکی مطلق هستند (www.webanswer.ir، ۱۳۹۲/۶/۶). حال چنین به نظر می‌رسد که اشکالی در انشای این آیات به وجود آمده است ولی به واقع چنین نیست. به تصویر شماره ۴ دقت کنید.



تصویر ۴: برخورد نور خورشید به یخ و هدایت آن توسط یخ به اعماق تحتانی آبهای اقیانوس.
www.damzad.blogfa.com



تصویر ۳: تصویری از مرجانها
(۱۳۹۲/۶/۱۰)
(www.persianpet.org.



تصویر ۲: فرستادن روبات به زیر اقیانوس منجمد شمالی
www.farsnews.com

همچنان که در تصویر شماره‌ی ۴ دیده می‌شود، یخ خود عاملی می‌شود که نور بتواند به عمق آبهای عمیق نفوذ کند. چنان که گفته شد هنوز از محیط زیر اقیانوس منجمد شمالی اطلاعی در دست نیست و تاکنون تصویر ی از محیط زیر یخها منتشر نشده است. اما اگر مانند تصویر فوق، یخهای اقیانوس آرکتیک هم به همین منوال عمل نموده و نور را از خود عبور داده و به عمق آب انعکاس دهند، آن گاه می‌توان گفت که شرایط زیست مرجانها، صدفها و جانوران دریایی که در آب شور زندگی کرده و به نور خورشید نیاز دارند، در زیر اقیانوس منجمد شمالی نیز فراهم می‌شود. و آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی الرحمن نیز همین پدیده را ذکر می‌کند.

اما تا روشن تر شدن قضیه و اینکه کدام یک از این دو نظریه تایید شود بایستی منتظر تحقیقات اقیانوس شناسان بمانیم. اما در اصل هر کدام از نظریه‌ها تایید شود تفاوتی با اصل قضیه نخواهد داشت.

در حالت کلی این آیه چند مطلب را تذکر داده است:

(۱) وجود حیات در زیر اقیانوس منجمد شمالی (به عنوان دریایی با آب شیرین) آن هم حیات از نوع حیاتی که در آب شور زندگی می‌کنند.

(۲) دادن یک نکته‌ی کلیدی برای آزمون فرضیه در مورد اینکه منظور آیات ۱۹ و ۲۰ همان اقیانوس منجمد شمالی است. و آن اینکه دریای جامد و مایع کنار هم هستند ولی دریای شور قسمت تحتانی دریای شیرین را نیز اشغال می‌نماید.

(۳) بیان ظرافت و خلاقیت آفریننده‌ی دو دریای جامد (شور) - مایع (شیرین). این دو دریا هم به صورت افقی در کنار هم هستند و هم به صورت عمودی. اگر در سطح نگریسته شوند یکی جامد است و دیگری مایع. ولی دریای شور مایع حتی در زیر دریای شیرین جامد هم جریان دارد و در اثر آن، حیات از نوع جانوران آب شور زی در زیر دریای جامد جریان دارد.

انجام تحقیقات علمی و انتشار نتایج آن جزئیات مطلب را مشخص خواهد کرد ولی کلیت قضیه همان است که در سه بند فوق بیان شده است.

بررسی آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی الرحمن:

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۴)

در آیه‌ی ۱۹ (مرج البحرين) در اصل "هو مرج البحرين" است. فاعل جمله (هو) در مَرَجٍ مستتر می‌باشد و اصطلاحاً گفته می‌شود: "هو"ی مستتر. لَهْ را در آیه‌ی ۲۳، یا به هو مستتر در آیه ۱۹ نسبت داده‌اند، یا به ربّ در آیه‌ی ۱۷ یا به الرحمن که آیه‌ی اول در این سوره است، نسبت داده‌اند و هر کدام مد نظرشان بوده باشد به مفهومی واحد در نظر گرفته شده است. اما "لَهْ" به "مرج البحرين" و در اصل به دریای منجمد بر می‌گردد.

تمامی مفسرین، جوار را جمع جواری و به معنی کشتی تعبیر نموده‌اند، اما جاریه به معنی کشتی به کار نرفته؛ بلکه در مفهوم کلی تر یعنی به معنی "شناور" به کار رفته است.

منشآت نیز جمع منشاء بر وزن مفعول و اسم مکان می‌باشد و در معنی محل نشأت گرفتن، محل انشاء و محل پدید آمدن معنی می‌دهد.

در این صورت داریم:

و از دریای منجمد شناورهایی در دریا پدید می‌آیند که به کوهها شباهت دارند و اگر لَهْ به هو و یا به رب و یا در اصل به الرحمن آیه‌ی ۱ نسبت داده شود تغییری در معنی و مفهوم ایجاد نمی‌شود:

"و برای اوست (الرحمن) نشات گرفته‌هایی شناور در دریا که به کوهها شباهت دارند."

✓ و اما منظور از نشأت گرفته‌هایی کوه مانند (= شناورهای کوه مانند):
 می‌دانیم که از حاشیه‌های اقیانوس منجمد شمالی قطعه‌های بزرگی از یخ جدا می‌شوند و در دریا شناور می‌شوند و از طریق جریانات دریایی، به عرض‌های پایین حرکت می‌کنند که اصطلاحاً به آنها "آیسبرگ یا کوه یخ" گفته می‌شود (شایان و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۵) (تصاویر شماره‌ی ۶ و ۷).
 آیسبرگ‌های شناور در دریا که بطور معمول یک دهم از حجم آن در خارج از آب و نه دهم از آن داخل آب قرار می‌گیرد. گفته می‌شود که کشتی بزرگ تایتانیک با یکی از آنها برخورد کرد و در هم شکست. کشتی تایتانیک که ۱۴ آوریل سال ۱۹۱۲ میلادی از بندر ساوت هامپتون بریتانیا راهی نیویورک بود، با یک کوه عظیم یخی برخورد کرده و ظرف سه ساعت به طور کامل غرق شد (www.javanemrooz.com، ۱۳۹۲/۱۰/۸). تایتانیک در ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ نخستین سفرش را از بندر ساوت هامپتون انگلستان با ۹۰۰ خدمه و افسر و ملوان و هزاران مسافر درجه یک و دو و سه به مقصد نیویورک آغاز کرد. امپراطوری بریتانیا که در اوج قدرت سلطه بر دریاها به سر می‌برد، به آب انداخته شدن این بزرگترین و زیباترین کاخ شناور تاریخ دریانوردی را جشن گرفت. روزنامه‌ها، و همچنین شرکت وایت استار، این اقیانوس پیما را «غرق نشدنی»، «رؤیای دریاها» و «کاخ شناور» لقب داده بودند. ناخدا اسمیت، یکی از با سابقه‌ترین فرماندهان دریایی آن زمان، این افتخار را یافت تا هدایت آن را به عهده بگیرد. وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اظهار داشت که "حتی خود پروردگار عالم هم قادر به غرق کردن تایتانیک نخواهد بود!" اما برای این اظهار نظر کفرآمیز، بهایی چنان سنگین پرداخت که در تاریخ دریا نوردی جهان به عنوان بزرگترین و دردناکترین فاجعه شناخته شد (www.irannaz.com، ۱۳۹۲/۱۰/۸). در این حادثه، ۷۰۵ نفر از مسافری نجات یافته و ۱۵۰۲ نفر باقیمانده یا در داخل آب‌های منجمد اقیانوس اطلس جان سپردند، و یا همراه بدنه عظیم کشتی که در حین فرو رفتن در آب به دو تکه شد، به قعر اقیانوس رفتند (www.farsnews.com ۱۳۹۲/۱۰/۸) (تصویر شماره‌ی ۵).



تصویر ۷: تصویری دیگر از آیسبرگ
 (www.pgt.co.ir.۱۳۹۲/۱۰/۸)



تصویر ۶: آیسبرگ‌های شناور
 (www.geographya.ir.۱۳۹۲/۱۰/۸)



تصویر ۵- کشتی تایتانیک در عمق ۴۰۰۰ متری اقیانوس اطلس
 (www.zoraq.com، ۱۳۹۲/۱۰/۸)

اگر در تصاویر شماره‌ی ۴، ۶ و ۷، یک خط مماس با سطح آب کشیده شود و قسمت زیر آب از تصویر پاک شود، محال ممکن است کسی آنرا یخ تصور کند. چون همه آنرا یک کوه می‌پندارند که روی آن برف نشسته است.

✓ اثباتی در باب اینکه مطمئن شویم منظور آیات از دو دریا، دریای جامد در مقابل دریای مایع است:

با ظرافت هر چه تمام‌تر در این آیات، اشاراتی ظریف به این مطلب وجود دارد که یکی از آن دو دریا جامد است و امکان اینکه چیزی در آن شناور شود وجود ندارد. قبلاً گفته شد "بَحْرَيْنِ" و به دنبال آن هر چه در آیات بعد از آن می‌آید و به آن عطف داده می‌شود به صورت مثنی می‌آید. مثل: بَحْرَيْنِ (۱۹ الرحمن)؛ يَتَّقِيَانِ (۱۹ الرحمن)، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ (۲۰ الرحمن)، لَا يَبْغِيَانِ (۲۰ الرحمن)، يَخْرُجُ مِنْهُمَا (۲۲ الرحمن) ولی هنگامی که در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی الرحمن سخن از شناوری (الجوار) می‌شود به دنبال آن کلمه‌ی "بحر" استفاده می‌شود. این یعنی یخ از یکی جدا و در دیگری شناور می‌شود. در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر نیز بعد از آنکه از دو دریا سخن گفته شده است آن گاه که حرف از کشتی و قابلیت شناور شدن می‌شود از لفظ مفرد "فيه" استفاده شده است که ضمیر آن مفرد است. اگر هر دو دریا (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ) این قابلیت را داشتند که کشتی بتواند در آنها حرکت کند در این صورت باید در آیه‌ی ۱۲ سوره فاطر از لفظ مثنای "فیهما" و در در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی الرحمن از لفظ مثنای "بحرین" استفاده می‌شد. اما همچنان که مشاهده می‌شود در سوره‌ی فاطر، ضمیر اشاره در هر دو مورد به صورت مفرد به کار رفته است. بنابراین اثبات می‌شود که منظور از "مرج البحرین"، اشاره به دو دریا دارد که از آن دو، فقط یکی شان قابلیت این را دارد که چیزی را در خود شناور سازد. بدین سان رمزی گذاشته شده است تا بدان وسیله در استنتاج مفهوم، کلیدی در دست ما قرار گرفته باشد.

✓ اثباتی دیگر:

در کل نیز در قرآن هرگاه از کشتی و شناور شدن آن، صید و کسب روزی از دریا سخن به میان آمده است، از کلمه‌ی بحر به صورت مفرد استفاده شده است. اگر بگوییم منظور از مرج البحرین (دو دریا) در سوره‌ی الرحمن، دریاهای شور- شیرین و یا آبهای گرم-سرد منظور بوده است، در این صورت اشکالی پیش می‌آید؛ چرا که ماهی و امثال آن هم در آبهای سرد یا گرم و هم در آبهای شور یا شیرین یافت می‌شود. این مسئله نیز به نوعی در تایید این نکته است که منظور آیات، دریای جامد در برابر دریای مایع است. چند مورد از این قبیل آیات را در ذیل می‌آوریم:

..وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ... (البقره: ۱۶۴)

..وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ... (ابراهیم: ۳۲)

..وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ... (الحج: ۶۵)

..أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ... (لقمان: ۳۱)

* در آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره‌ی مبارکه‌ی شوری، به آیاتی برخورد می‌کنیم که به ماجرای کفرگویی ناخدای کشتی تایتانیک و نزول بلا و نابودی سرنشینان کشتی شباهت بسیاری وجود دارد. در آیه‌ی ۳۲ چنین آمده است: *وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ*. اگر جوار را به معنی شناور به کار ببریم در این صورت همان تعریف آیسبرگ را خواهد داشت. و نیز در آیه‌ی سی و دوم به این مطلب می‌پردازد که اگر اراده می‌کرد هوای داخل تالار کشتی را ساکن قرار می‌داد. اگر هوای داخل تالارهای کشتی ساکن می‌شد و آب به داخل کشتی وارد نمی‌شد، در این صورت مانع سنگینی و غرق شدن کشتی می‌شد. اگر کشتی شکسته شده با آب پر نمی‌شد، غرق نشده و روی آب شناور می‌ماند. در این صورت مسافران می‌توانستند با پناه گرفتن روی کشتی شکسته، از غرق شدن نجات یابند.

ترجمه‌ی آیات ذکر شده چنین است:

هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند (۳۰) و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولیّ و یآوری برای شما نیست (۳۱) از نشانه‌های او، شناورهایی است در دریا که همانند کوهها هستند (شناورها= آیسبرگ‌های عظیم که در اقیانوسها شناورند) (۳۲) اگر او اراده کند، باد را (داخل تالارهای کشتی شکسته) ساکن می‌سازد تا آنها (شکسته‌های کشتی) بر پشت آن (اقیانوس) راکد بمانند؛ در این نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار (۳۳) یا اگر بخواهد آنها را (هر دو تکه‌ی کشتی را) بخاطر اعمالی که سرنشینان تایتانیک (سرنشینان تایتانیک) مرتکب شده‌اند نابود می‌سازد؛ و در عین حال بسیاری را می‌بخشد (۳۴) کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند بدانند که هیچ گریزگاهی ندارند (۳۵).

همان‌طور که گفته شد، این آیات به سرنوشت مسافران کشتی تایتانیک اشاره دارند. در آیه‌ی

۳۲ سوره‌ی شوری چنین آمده است:

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ [۴۲:۳۲]

" جوار " در این آیه به معنی شناور به کار رفته است. در این صورت ترجمه‌ی آیه به این صورت

در می‌آید:

" و از نشانه‌های (قدرت) او شناورهایی در دریا هستند که به کوهها شباهت دارند. "

در سطرهای قبلی گفته شد که منظور از شناورهای کوه مانند در دریا، همان آیسبرگ یا کوه یخ

هستند. در این صورت، مفهوم آیه چنین استخراج می‌شود:

" و از نشانه‌های (قدرت) او کوههای یخی (آیسبرگ) شناور در دریاست که شبیه کوهها

هستند. "

و بدین صورت خداوند نه تنها خودش به جنگ تایتانیک نرفت بلکه فقط با «تکه‌ای یخ» جواب ناخدا اسمیت را داد تا بداند باخدا بودن بهتر از ناخدا بودن است. باشد که دریابیم هرچه باشیم در برابر پروردگار عالم، مخلوق ضعیفی بیش نیستیم:

" بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (احقاف-۳۳)." _ البته که خداوند پاک و بلند مرتبه جز راست نمی‌گوید _

جمع‌بندی، بحث و نتیجه‌گیری:

تا به حال از قرآن، ترجمه‌های زیادی به زبان فارسی منتشر شده است. اما توجه به این نکته‌ی کلیدی ضروری است که هر ترجمه‌ای که منتشر می‌شود بر اساس برداشت و مطالعات شخص مفسر ارائه می‌شود و یا مترجم بر اساس تفاسیر ارائه شده، ترجمه‌ای برای آیات ارائه می‌دهد. اگر برداشت یک مفسر از یک آیه و تفسیری که از آن آیه ارائه می‌دهد، با برداشت و تفسیر شخص دیگری متفاوت باشد، ترجمه‌ی این دو شخص نیز با هم متفاوت خواهد بود. همچنین اگر مترجم تفسیر درست از یک آیه را در دسترس نداشته باشد نمی‌تواند ترجمه‌ی صحیحی را از آیات بدست دهد. چون اکثریت لغت‌ها، در زبانهای مختلف و از جمله در زبان عربی، به معانی مختلفی به کار گرفته می‌شوند. از این رو اگر تفسیر درستی از آیات ارائه شود، در این صورت است که تنها یک معنی از معانی مختلف لغات مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ولی اگر شخص در فهم منظور و مفهوم یک آیه با اشکالی مواجه شود نمی‌تواند تشخیص دهد که کدام یک از معانی لغات، همان مفهومی است که منظور نظر خداوند بوده است. پس در صورتی یک ترجمه از یک آیه، معتبر و صحیح خواهد بود که تفسیری درست و دقیق از آیه داشته باشیم و دقیقاً به همان مفهوم و معنایی پی برده باشیم که در نزول این گونه آیات منظور بوده است. در غیر این صورت ترجمه‌ی ارائه شده تنها در حکم یک نظر شخصی از مترجم یا مفسر خواهد بود. در این پروسه، ما نیز بر اساس نتایج تحقیق، ترجمه‌ای برای آیات مذکور ارائه می‌کنیم که در حقیقت جمع‌بندی از مباحث ارائه شده در بخش یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌باشد. لازم به تذکر است که این ترجمه نیز بر اساس برداشتی که از مفهوم آیه داشتیم ارائه شده است و در صورت اینکه صاحب نظران چنین تحلیلی را که در این مقاله ارائه شده است نپذیرند، قدر مسلم ترجمه‌ی ارائه شده را نیز مردود خواهند دانست. با این حال ترجمه‌ی زیر، با توجه به نتایج تحقیق حاضر تدوین شده است:

آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره‌ی الرحمن:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹):

دو دریای جامد و مایع را با هم ادغام کرد و واگذاشت تا به همدیگر رسیدند.

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰):

ما بین این دو دریا، (سرما را به مثابه‌ی) برزخی جدا کننده قرار داد که نمی‌گذارد این دو دریا به حدود همدیگر وارد شوند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱):

پس کدامین نشانه از نشانه‌های وجود (یا قدرت) خالق خود را انکار می‌کنید.

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲):

(با اینکه یکی از آن دو دریا جامد است و دیگری مایع، اما در زیر آن دریای جامد نیز، حیات جانوری از نوع حیاتی که در دریای شور زندگی می‌کنند نیز جریان دارد) و از هر دو دریای جامد و مایع، مروارید و مرجان خارج می‌شود.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳):

پس کدامین نشانه از نشانه‌های وجود (یا قدرت) خالق خود را انکار می‌کنید.

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴):

و از دریای منجمد شناورهایی در دریای مایع پدید می‌آیند که به کوهها شباهت دارند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵):

پس کدامین نشانه از نشانه‌های وجود (یا قدرت) خالق خود را انکار می‌کنید.

آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فرقان:

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا :

و او همان خالق است که دو دریای جامد و مایع را در کنار هم قرار داد، در حالی که دریای جامد آبی زلال و گوارا دارد و دریای مایع، شور و تلخ است و بین آنها برزخ و عامل انفکاک سرما را قرار داد، همان عاملی که موجب انجماد، سختی و محجوریت می‌شود.

آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر:

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنَ الْبَحْرِ مِمَّا يَخْرُجُ الْكَلْحُ الْحَمِيمُ وَسَتُخْرَجُونَ حَلِيَّةً يَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنَ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ:

و دو دریای جامد و مایع با هم برابر نیستند، آب یکی زلال و گوارا و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ و از آنها گوشتی تازه می‌خورند و آراینده‌هایی برای پوشیدن استخراج می‌کنند و در حالی که فقط در دریای مایع می‌بینی که کشتی در آن به پیش می‌راند تا از فضل پروردگار بهره مند گردند، باشد تا شکر خالق را به جا بیاورید.

آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی نمل:

أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلَا أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ:

یا کسی بهتر است که زمین را با وجود چرخش و گردش آن به گونه‌ای قرار داد که آن را آرام و مستقر می‌بینید و در شکاف‌های آن جویبارهایی قرار داد و برای آن کوههایی استوار قرار داد و بین

دو دریا به وسیله‌ی سرما حاجزی قرار داد و آنها را از همدیگر جدا کرد؟ آیا خالق با الله است؟ نه، بلکه اکثر آنها علم ندارند و نمی‌دانند.

الحاقت:

- ۱- ...فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (حدید-۲۴).
- ۲- ... بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (شعرا-۱۹۵).
- ۳- كَتَبَ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (فصلت-۳).
- ۴- وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا (نباء-۷).
- ۵- وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ... (اعراف-۵۷).

منابع و مآخذ:

۱. قرآن مجید، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات آئین دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. بروجرودی (آیت الله)، سید ابراهیم، "تفسیر جامع"، انتشارات کتابخانه‌ی صدر، جلد ۷، ۱۳۴۰، صص ۲۹-۲۷.
۳. جعفری، عباس، "فرهنگ گیتاشناسی - اصطلاحات جغرافیایی"، چاپ اول، شماره انتشاراتی ۱۴۲، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۱.
۴. رازی، ابی الفتوح، "تفسیر ابوالفتوح رازی"، تهران: انتشارات مجلس، تیر ۱۳۱۵، صص ۲۰۸-۲۰۷.
۵. شایان، سیاوش و مهدی چوبینه و منصور ملک عباسی و ناخدا فلاحیان و معصومه آزاد مهر، "جغرافیا دوم راهنمایی"، تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰.
۶. صداقت، محمود، "منابع و مسائل آب ایران"، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ نهم، بهمن ۱۳۹۰، صص ۱۴.
۷. طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، "المیزان فی تفسیر القرآن"، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا و موسسه انتشاراتی امیر کبیر، جلد ۱۹، ۱۳۶۳، صص ۲۰۰-۱۹۷.
۸. طبرسی، فضل ابن حسن، "مجمع البیان فی تفسیر القرآن"، ترجمه: شیخ محمد رازی، جلد ۲۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، صص ۸۱-۷۱.
۹. قرائتی (حجه الاسلام)، محسن، "تفسیر نور"، جلد نهم، چاپ دوم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸، صص ۳۹۱-۳۸۸.
۱۰. کاشانی، فتح الله (۱۳۳۷)، "تفسیر کبیر"، جلد ۹، چاپ سوم، تهران: چاپخانه‌ی علمی، ۱۳۳۷، صص ۱۲۰-۱۱۷.
۱۱. مکارم شیرازی (آیت الله)، ناصر، "تفسیر نمونه"، جلد ۲۳، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، صص ۱۳۳-۱۲۴.
۱۲. مهدوی، محمد، "هیدرولوژی عمومی"، چاپ اول، تهران: انتشارات علم و ادب، ۱۳۸۵، ص ۴.
۱۳. مغنیه (شیخ)، محمد جواد، "تفسیر کاشف"، ترجمه: موسی دانش، جلد ۷، چاپ اول، تهران: موسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۸۷، صص ۳۴۸-۳۴۶.
۱۴. معینیان، مهدی، "باران رحمت: تفسیر قرآن کریم"، جلد ۱۴، چاپ اول، تهران: انتشارات گلبرگ، ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-۱۰۱.
۱۵. نکونام، جعفر (۱۳۹۰)، "تفسیر تاریخی آیه‌ی مرج البحرين"، فصلنامه‌ی کتاب قیّم، سال اول، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۵۱-۳۱.
۱۶. هاشمی رفسنجانی (آیت الله)، اکبر، "تفسیر راهنما"، جلد ۱۸، چاپ دوم، تهران: موسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۸۶، صص ۲۳۵-۲۳۱.
۱۷. منابع اینترنتی با لینک کامل به صفحه‌ی مورد نظر:

http://www.adsearch.ir/show.aspx?ad=t_۱۵۰۰۰۲

<http://www.hamshahrionline.ir/details/۵۳۴۴۸>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۶۰۴۰۲۰۴۹۵>

<http://www.persianpet.org/forum/thread۱۰۵۷۶۶.htm>

<http://www.mihan۹۸.com/ترسیم عمیق ترین گودال دنیا/>

<http://www.javanemrooz.com/news/show.aspx?id=۲۷۸۷۷>

<http://www.webanswer.ir/۱۶۶۸۷/نور تا چه عمقی در آب نفوذ میکند؟>

<http://www.damzad.blogfa.com/post-۷.aspx>

<http://www.pgt.co.ir/PR/Outgoing/norway/۲۰pictures/larz/iceberg-norway-۳.jpg>

<http://www.geographya.ir/۱۳۹۱/۰۹/۲۶/کوه-یخیآیسبرگ>

http://www.irannaz.com/news_print_۶۹۸۵.html

<http://www.zoraq.com/news/۱۶۲۸/>

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۱۳۹۱۰۱۲۳۰۰۰۹۶۴>